

استراتژی امام کاظم (ع) و هژمونی حاکمان عباسی

مسعود پورفرد^۱

چکیده

در این نوشتار، به تشکیلات تشیع به رهبری امام کاظم (ع) (۱۴۸-۱۸۳ ق) بر اساس چارچوب نظامند و انسجام منطقی شهید صدر و روش ترکیبی (متن زمینه) پرداخته می‌شود. امام در بدترین اوضاع سیاسی، با اتخاذ استراتژی ستیز از طریق ایجاد پایگاه علمی- فرهنگی، پایگاه ارتباطی تشکیلاتی، پایگاه اقتصادی معیشتی و پایگاه سیاست‌گذاری تشیع، در مقابل فرعونیان عباسی، تشکیلات تشیع را حفظ کردند. در این زمینه از عناصر سیاسی تقیه، نفوذ تاکتیکی، پیام‌های ارتباطی، انسجام و سازمان‌دهی، استقامت، صبر و آموزش و پرورش نیروهای کارآمد، به راهبرد موفقیت‌آمیزی دست یافتند.

واژگان کلیدی: نهاد امامت، استراتژی ستیز، چارچوب انسجام منطقی، متن، زمینه و امام کاظم (ع).

مقدمه

در این پژوهش، برای شناخت راهبردها، اندیشه و مواضع سیاسی امام در دوره عباسیان، به دنبال این سؤال اصلی هستیم که امام چه راهبرد سیاسی

ص: ۴۹۶

موفقیت‌آمیزی را در فضای استبدادی، سلطه و هژمونی عباسیان برای تشکیلات تشیع و نهاد امامت انتخاب نمودند؟ عناصر این راهبرد چه بوده که باعث شد، امام تشکیلات تشیع را در بدترین اوضاع سیاسی حفظ کنند؟ بر این اساس، فرضیه پژوهش این است که: نهاد امامت به رهبری امام کاظم (ع) در یک پروسه تدریجی (استراتژی ستیز) به عنوان "متن" از طریق اقدام فرهنگی- اجتماعی (تقیه و استقامت) از ساخت قدرت به عنوان "زمینه" نقد و آن را نفی کرده و در مقابل، ساخت قدرت در یک عمل سیاسی- اجتماعی (حذف تشیع)، تشکیلات شیعه را به باز تولید واکنش جدید (حفظ تشیع)، سوق داده‌اند.

چارچوب پژوهش

با توجه به این‌که استراتژی و برنامه‌های امام کاظم (ع) نظام‌مند و منسجم بوده، از چارچوب انسجام منطقی شهید صدر استفاده شده است. توضیح این‌که در چارچوب انسجام منطقی شهید صدر باید بین ثبات، هسته و کانون راهبردها و

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و نائب رئیس انجمن مطالعات سیاسی حوزه.

اندیشه امام کاظم (ع) با متغیرات، تاکتیک‌ها، مواضع و فعالیت امام تفکیک قائل شد تا در تحلیل سیاسی این متن تاریخی سیاسی، از اشتباه و خطای فکری مصون بمانیم. اینک به چارچوب انسجام منطقی وی می‌پردازیم. دو مورد مهم باعث شده که وی چارچوب انسجام منطقی را توصیه کند:

اول، روشی که باعث شد تا مباحث اسلامی، فاقد نگرش نظام‌مند باشند و اجزای ساختار اندیشه سیاسی اسلام، بی‌هیچ قاعده‌ای کنار هم قرار گیرند؛ هر چند این کنار هم قرار گرفتن‌ها در نهایت نظم را پدید آورده، هیچ‌گاه درباره رابطه منطقی اجزا و میزان تأثیر و تأثر آن‌ها در یک‌دیگر کاوش و به آن دقت نشده است.

دوم، به شکل پیدایش عناصر ثابت و موقت در نصوص دینی چندان توجهی نگردیده و با تمام آنچه وارد شده، به منزله حکم ثابت و عنصر جهان‌شمول

ص: ۴۹۷

برخورد شده است. این عوامل از نظر صدر، سبب ناتوانی ما در حوزه سیاست و اندیشه سیاسی اسلام گردیده است. ایشان برای رفع این مشکل، مجموعه‌ای از عناصر و اموری را پیشنهاد می‌کند^۲ که از نوعی وحدت و سازگاری کامل در حوزه سیاست برخوردار است و رابطه‌ای مستحکم میان آن‌ها وجود دارد. در واقع، مجموعه این امور در چارچوب انسجام منطقی در حوزه سیاست عبارت‌اند از:

۱. اعتقادات اسلامی

به آن دسته از باورهای اسلامی درباره خدا، جهان آفرینش و انسان می‌گویند که در حوزه سیاست، به‌عنوان زیربنا و مبنایی برای اهداف سیاسی اسلام تلقی می‌شود. در واقع، این امور که نمود باورهای اسلامی در حوزه سیاست محسوب می‌شوند، مشتمل بر قضایای «هستی» است که نوع نگرش اسلام را به خدا، جهان و انسان از زاویه مرتبط به سیاست و رابطه سیاسی فرد و جامعه بیان می‌کند؛ برای مثال این قضایا جزء اعتقادات اسلامند:

الف) خداوند تدبیرکننده همه موجودات و انسان‌هاست (خداشناسی)؛

ب) اصل حق‌مداری جهان هستی و هدف‌مندی آفرینش، بر پایه قوانین و سنن الهی استوار شده و انتظام یافته است (هستی‌شناسی)؛

ج) غریزه حب ذات، انگیزه اصلی برای رفع نیازمندی‌های انسان است (انسان‌شناسی).^۳

۲. اهداف سیاسی اسلام

این اهداف، مشتمل بر قضایای «باید» هاست که از اعتقادات سیاسی استنتاج می‌شود. در واقع، برخی از این قضایا به صورت امور و اصول مسلم در زمینه

۲. نک: مهدی هادوی، مبانی کلامی اجتهاد، ص ۳۹۰-۳۹۶.

۳. سیدمحمدباقر صدر، فلسفتنا، ص ۲۵۳-۲۶۰ و اقتصادنا، ج ۲، ص ۳۰-۳۲.

سیاست تلقی می‌شوند و زیربنای نظام سیاسی اسلام هستند که از آن به مبانی سیاسی تعبیر می‌کنیم. برخی دیگر، اغراض و مقاصد نظام سیاسی را مشخص می‌کنند که به آن اهداف سیاسی می‌گوییم؛ برای مثال، مباحثی از قبیل نفی سلطه سیاسی انسان بر انسان در بخش مبانی قرار می‌گیرد و بحث عدالت اجتماعی - سیاسی و نیل به سعادت و رفاه از اغراض و اهداف است.^۴

۳. الگوهایی از روابط سیاسی

به مجموعه الگوهایی از روابط سیاسی افراد، سازمان‌ها و عناصر دخیل در حوزه سیاست گفته می‌شود که دین درصدد تثبیت آن‌ها در جامعه است؛ به تعبیر دیگر، مجموعه‌ای از نهادهای سیاسی که با یک‌دیگر روابط خاصی دارند و دستگاه هماهنگ را تشکیل می‌دهند. نهادها در بحث نظام سیاسی، همان الگوهای تثبیت‌شده از روابط افراد، سازمان‌ها و عناصر مؤثر در زمینه سیاسی است.

پس به نظر می‌رسد که براساس مبانی سیاسی برای رسیدن به اهداف سیاسی، مجموعه عناصر سیاسی در دین آورده شده که از آن به الگوهایی از روابط سیاسی یاد می‌شود. شهید صدر به برخی از نهادهای سیاسی اسلام مانند قانون‌گذاری، اجرایی، سیاسی و قضایی اشاره کرده است. نکته مهمی که ایشان به آن توجه داشته، مسأله‌ای است که براساس مبانی و در جهت اهداف با توجه به موقعیت، ویژگی‌های خاص برای الگوهایی از روابط سیاسی قائل است؛ به تعبیر دیگر، شیوه‌ای ثابت برای تطبیق عناصر «الگوهایی از روابط سیاسی اسلام» در موقعیت‌های خاص زمانی و مکانی مختلف وجود دارد.^۵ بعد از این سه عنصر در بحث چارچوب انسجام منطقی، شیوه دستیابی به باورها، اهداف و الگوهای

سیاسی را می‌توان در شش مرحله قرار داد:

- ۳-۱- استخراج و کشف عناصر دینی مورد کاربرد در حوزه سیاست؛
- ۳-۲- تفکیک عناصر جهان‌شمول از عناصر موقت سیاست؛
- ۳-۳- دستیابی به عناصر جهان‌شمول؛ یعنی عناصری که در تمام زمان‌ها برای بشر ثابت است. منظور از عناصر موقت، عناصری است که عصری بوده و به زمان خاصی اختصاص ندارد. سیاست در ورای عناصر موقت نهفته است؛
- ۳-۴- طبقه‌بندی عناصر جهان‌شمول در سه بخش باورها، اهداف و الگوهای سیاسی؛

۴. اقتصادنا، ص ۱۵-۳۰.

۵. سیدمحمدباقر صدر، مدرسه‌الاسلامیه، ص ۳۳-۳۰؛ مقاله «الانسان المعاصر و قدرته علی حل المشکله الاجتماعیه».

۳-۵- هماهنگ‌سازی عناصر جهان‌شمول برای رسیدن به مجموعه سازوکارها؛

۶-۳- طراحی سازوکار براساس عناصر جهان‌شمول.

نمودار چارچوب انسجام منطقی در نظر شهید صدر پس از بازسازی

...

ص: ۵۰۰

روش پژوهش

در پاسخ به این‌که چگونه می‌توان اندیشه و مواضع سیاسی امام کاظم (ع) را در دوره عباسیان (چهار خلیفه) به عنوان یک متن فهمید، از روش ترکیبی قرائت (متنی و زمینه‌ای) استفاده کرده‌ایم.

برخی از صاحب‌نظران سیاسی، در پاسخ به مسأله اساسی مطروحه (مبنی بر این‌که چگونه می‌توان یک متن را فهمید)، به دو متدولوژی رایج ولی کاملاً متفاوت اشاره و تصریح کرده‌اند که هر دو مقبولیت نسبتاً گسترده‌ای دارند:

یک متدولوژی، قرائت زمینه‌ای^۷ است که چارچوب یا زمینه را تعیین‌کننده معنای متن می‌داند و فهم معنای هر متن را به فهم زمینه‌های فکری، دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن متن منوط می‌سازد. مطابق این متدولوژی، در هر گونه تلاش برای فهم معنای متن، باید زمینه کلی^۸ را بازسازی کرد که متن در آن تکوین یافته است.

دیگری متدولوژی قرائت متنی^۹ است که بر «خودمختاری ذاتی متن»^{۱۰} به صورت یگانه کلید ضروری برای فهم معنای آن تأکید دارد و هرگونه تلاش برای بازسازی زمینه اجتماعی و تاریخی متن به منظور فهم معنای آن را تلاشی بیهوده تلقی کرده، کنار می‌گذارد.

۶. نک: عبدالجبار الرفایه، منهج‌الشهید صدر فی تجدید الفکر الاسلامی، ص ۳۰-۳۲.

۷. Methodology of Contextual Reading.

۸. Total Context.

۹. Methodology of Textual Reading.

۱۰. Autonomy of The Text Itself.

هر دو متدولوژی پیشین به تصریح این صاحب‌نظران، نقص اساسی دارند و هیچ کدام از آن‌ها، نمی‌تواند روش یا ابزار کافی و مناسبی برای دستیابی به فهم درست اثر یا متن باشد؛ به همین سبب، اسکینر یکی از این صاحب‌نظران، هر دو

ص: ۵۰۱

متدولوژی را به صورتی نقادانه بررسی و ارزیابی می‌کند و از این ره‌گذر، متدولوژی خاصی را سامان می‌دهد. این متدولوژی به زعم وی، از انتقادهای وارد شده به آن دو متدولوژی میرا بوده، دارای ویژگی‌ها و مزایایی است که نه در آن دو متدولوژی و نه در سایر متدولوژی‌ها یافت نمی‌شود. ۱۱

به نظر این صاحب‌نظر علوم سیاسی، متدولوژی قرائت زمینه‌ای اساساً در مقابل متدولوژی متنی قرار دارد و بیش از همه، با مخالفت آن دسته از مورخان فلسفه و نظریه‌پردازان سیاسی مواجه شده که مایلند بر استقلال متن و بالتبع بر متدولوژی قرائت متنی تأکید کنند. دلیل این مخالفت تا حد زیادی روشن است؛ زیرا طبق مفروض بنیادین متدولوژی قرائت متنی، متون کلاسیک دارای عناصر فرازمانی در قالب ایده‌های عام یا دارای حکمت فراتاریخی با کاربرد عام هستند و با تأمل و تمرکز صرف بر این متون، به چنین عناصر و ایده‌های عامی می‌توان دست یافت و دیگر به بررسی زمینه اجتماعی و تاریخی این متون برای نیل به چنین هدفی نیاز نیست.

دیگر مفروض متدولوژی قرائت متنی، این است که اطلاعات نهفته در درون خود متن برای فهم آن کافی است؛ به همین دلیل، به مطالعه موضوعاتی چون زمینه اجتماعی و تاریخی متن یا زندگی‌نامه نویسنده و امثال آن که خارج از متن قرار دارد و هیچ بخشی از ساختار متن را تشکیل نمی‌دهند، نیازی نیست. بر پایه این مفروض، دخالت دادن هر گونه اطلاعاتی غیر از اطلاعات خود متن در جریان تفسیر آن متن، نوعی خطا به شمار می‌رود که خلوص و اصالت متن را خدشه‌دار ساخته، برای تفسیر آن نامربوط هستند.

بر اساس متدولوژی قرائت زمینه‌ای، هر دو مفروض بنیادین متدولوژی قرائت متنی اشتباه است و هیچ متنی جدا از زمینه اجتماعی و اوضاع و احوال تاریخی

ص: ۵۰۲

آن فهمیدنی نیست و نمی‌توان بدون توجه به این زمینه‌ها، به معنا و پیام مندرج در متن دست یافت.

بر خلاف متدولوژی قرائت متنی، متدولوژی قرائت زمینه‌ای بر این فرض استوار است که باید هر متن را بر حسب زمینه اجتماعی و اوضاع تاریخی نگارش آن قرائت کرد و فهم معنای متن یا فهم هر ایده و اندیشه‌ای، مستلزم فهم زمینه‌ای است که نویسنده در آن، یک نوع کلمات و عبارات متن را بر می‌گزیند. براین اساس، همان‌گونه که انتزاع فرد از جامعه

نه ممکن است و نه مطلوب، انتزاع اندیشه و متن از زمینه اجتماعی و تاریخی آن نیز چنین است؛ پس نمی‌توان معنا یا اندیشه نهفته در متن را به شکل مجرد یا غیرتاریخی دریافت؛ البته این بدان معنا نیست که یک مفهوم یا یک اندیشه را بتوان به طور همسان و یکنواخت در طول تاریخ بشری مطالعه کرد؛ بلکه بدین معناست که آن مفهوم یا اندیشه را باید در یک دوره تاریخی خاص و بر حسب تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی آن دوره مطالعه کرد. بدیهی است که بخشی از این مطالعه، باید بر این متکی باشد که نویسنده در چه نوع جامعه‌ای متن خود را نوشته و ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه در آن زمان چگونه بوده و او در چه وضعیتی قرار داشته است. با وجود این، به نظر این صاحب‌نظر علوم سیاسی، انتقادهایی اساسی و جدی به متدولوژی قرائت زمینه‌ای وارد است. یکی از مهم‌ترین این انتقادات آن است که وی این متدولوژی را مبتنی بر یک اشتباه اساسی درباره ماهیت رابطه بین متن و وضعیت محیطی آن تلقی می‌کند؛ یعنی اسکینر مطالعه زمانه و زمینه اجتماعی را برای فهم متن مفید و لازم می‌داند، ولی مفروض پایه‌ای متدولوژی قرائت زمینه‌ای را مبنی بر این که فهم متن باید بر حسب زمینه اجتماعی آن صورت گیرد، مفروضی اشتباه و نادرست می‌شمارد؛ در نتیجه متدولوژی متکی بر این مفروض را نیز برای فهم معنای متن ناکافی و نامناسب می‌داند؛ البته وی این واقعیت را می‌پذیرد که شناخت زمینه متن، به فهم معنای آن کمک می‌کند و حتی

ص: ۵۰۳

چنین واقعیتی را منعکس‌کننده این واقعیت بزرگ‌تر و انکارناپذیرتر می‌داند که برای اجرای هر کنش، همیشه مجموعه شرایطی وجود دارد که آن کنش را پدید می‌آورد یا آن را متفاوت ساخته یا در صورت فقدان آن‌ها، کنش مزبور رخ نمی‌دهد و یا این که وقوع کنش بر اثر وجود آن مجموعه شرایط، پیش‌بینی‌پذیر است.

حاصل کلام این که ادعای اصلی اسکینر، این است که درک معنا و درک بار قصد شده برای فهم متون ضروری است؛ با وجود این، چنین فهمی نه صرفاً از مطالعه زمینه اجتماعی متن به دست می‌آید و نه از مطالعه محض خود متن؛ از این رو، نه متدولوژی قرائت متنی و تمرکز بر مطالعه خود متن و نه متدولوژی قرائت زمینه‌ای و تمرکز بر زمینه اجتماعی و تاریخی آن، هیچ‌کدام به تنهایی برای فهم متون کافی نیستند. به نظر وی پس از نقد این دو متدولوژی، بر اساس نظریه کنش‌گفتاری آستین، متدولوژی خاص خود در تفسیر متن و فهم معنای آن را ارائه می‌کند. اسکینر از جمله متفکرانی است که به مقوله متدولوژی و کاربرد آن در پژوهش‌های علوم انسانی، به ویژه در علوم سیاسی، توجه ویژه‌ای داشته است. پژوهش‌های روشمند و نگارش آثار بر اساس متدولوژی خاص، از ویژگی‌های بارز این صاحب‌نظر است. نقد اصلی وی بر این متدولوژی، تکیه صرف بر زمینه اجتماعی تاریخی متون به صورت عامل تعیین‌کننده معنای آن‌ها و نادیده گرفتن مباحث فکری و زبان‌شناختی و قواعد مرسوم در هر مقطع تاریخی از یک طرف و بی‌اعتنایی به نویسنده و بی‌توجهی به نیت او در نگارش متن، از طرف دیگر است. وی خود ضمن توجه به این دو طرف و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های فلسفی و زبان‌شناختی، در پی رفع این نقص برآمده است. ۱۲

ص: ۵۰۴

نمودار روش ترکیبی قرائت (متنی و زمینه‌ای) پس از بازسازی روش قرائت ترکیبی (متنی - زمینه‌ای)

...

مفاهیم و واژگان پژوهش

- زمینه عملی: ۱۳ زمینه عملی، فعالیت سیاسی یا ویژگی‌های مربوط به ساختار قدرت است که نهاد امامت آن را مخاطب قرار می‌دهد و متن، پاسخی به آن است.
- دولت عباسیان: در این جا منظور Government است و به ساخت قدرت در دوره عباسیان نظر دارد که شامل نهادهای دولتی در عرصه زمینه سیاسی است.
- استراتژی ستیز: منظور از استراتژی ستیز در این پژوهش، هرگونه دادوستد در حوزه سیاست، فرهنگ و اقتصاد در خصوص "متن" و "زمینه" است که مفاهیم داد و ستد نقادی و تقابلی را شامل می‌شود.
- نهاد امامت: منظور تمام تشکیلات تشیع به زعامت و رهبری امام کاظم (ع) از سال ۱۴۸ تا ۱۸۳ قمری است.

ص: ۵۰۵

- تقیه و استقامت: اهل لغت تقیه را در معنای تحفظ و مصونیت به کار برده‌اند. در اصطلاح از آن جا که تقیه، روشی برای محفوظ ماندن از خطر است، مفهوم آن در قرآن و سنت، عبارت است از «اظهار کفر و پنهان کردن ایمان» یا «تظاهر به باطل و مخفی کردن حق». تقیه به «خوفی»، «مداراتی» و «کتمان» تقسیم می‌شود. تقیه خوفی نیز گاهی به سبب ورود ضرر به جان یا آبرو و یا مال متقی و وابستگان اوست و گاهی به علت احتمال وقوع ضرر بر دیگر مؤمنان است و گاهی هم احتمال وقوع ضرر بر کیان اسلام است؛ مثلاً ترس از اختلاف و تفرقه مسلمانان، سبب تقیه می‌شود. تقیه مداراتی، عبارت است از جلب دوستی مخالف، به سبب مصلحت، بی آن که ضرر او شخص را تهدید کند. تقیه کتمان، به خودی خود دارای ارزش است و در برابر افشای سرّ قرار دارد. منظور از استقامت، سیاست مقاومت در برابر دشمن است که با توجه به اهداف و مأموریت‌ها از طریق تقیه و صبر و با استفاده از تجربه عملی سیره پیامبر (ص) در مکه صورت گرفت.

زندگی‌نامه امام هفتم

امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) در هفتم ماه صفر ۱۲۸ قمری در «ابواء» (محلی بین مکه و مدینه) زاده شد. مادر آن حضرت حمیده، بانویی از اهل مغرب یا اندلس بود. لقب آن حضرت "کاظم" و "عبد صالح" است. هم‌چنین به سبب حاجت گرفتن شیعیان و دوستداران علاوه بر موارد قبلی، لقب "باب‌الحوائج" به آن حضرت داده‌اند. کنیه آن امام همام "ابوالحسن" و "ابو‌ابراهیم" است. ۱۴ ایشان از مجموع بیست سالی که در کنار پدر بزرگوار خود بودند، پنج سال آن را در روزگار امویان، چهار سال و شش ماه در روزگار سفاح و نه سال و اندی در دوران

ص: ۵۰۶

حکومت منصور دوانیقی گذراندند. امام کاظم (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارشان در سال ۱۴۸ قمری در حدود ۳۵ سال امامت و زعامت روحی و معنوی مردم را به عهده گرفتند. آن حضرت ده سال از این روزگار را با منصور، یازده سال با محمدالمهدی پسر منصور معروف به مهدی، یک سال با موسی‌الهادی معروف به هادی پسر مهدی و سیزده سال دیگر عمر خود را با هارون‌الرشید سپری کردند و سرانجام در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ قمری، در زندان هارون و به دست سندی بن شاهک، زندانبان هارون به وسیله زهر به شهادت رسیدند. ۱۵

اوضاع زمانه

دوره ۳۵ ساله زعامت امام کاظم (ع)، با سال‌های آخر خلافت منصور دوانیقی (۱۴۸-۱۵۸ ق) خلافت مهدی (۱۵۸-۱۶۹ ق)، هادی (۱۶۹-۱۷۰ ق) و سیزده سال از حکومت هارون (۱۷۰-۱۸۳ ق) مقارن بود. منصور در تمام مدت خلافتش، شیعیان را تعقیب و تهدید می‌کرد و از اذیت و آزار، حبس و به شهادت رساندن مخالفان خود دریغ نمی‌کرد. او حتی در دوره امام صادق (ع)، بسیاری از جنبش‌هایی که نشانه‌ای از آزادی‌خواهی داشتند، به شدت سرکوب کرده بود. منصور در سال ۱۴۵ قمری بغداد را توسعه داد و از معماری ایرانیان در نوسازی شهر استفاده فراوانی کرد و حتی خاندان برمکی را در اداره مملکت به سبک ایرانیان به کار گرفت. ۱۶ امام در دوره یازده ساله از فرمان‌روایی مهدی عباسی، در کنار کارهای فرهنگی-فکری و اشتغال به تدریس، به برقراری ارتباط میان خود و شیعیان در نواحی مختلف و سازماندهی آنان پرداختند و مشکلات معیشتی و اقتصادی شیعیان را برطرف کردند. با کشف این اقدامات، امام مدتی زندانی و

ص: ۵۰۷

۱۴. ابن جوزی، تذکره‌الخواص، ص ۳۱۳.

۱۵. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۶.

۱۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۶۴-۳۹۱.

سپس آزاد گردیدند. ۱۷. نرمش‌های ظاهری مهدی عباسی در زمینه آزادی و رفاه اقتصادی، فرصتی شد تا تشکیلات شیعیان منسجم‌تر شود ولی با گذشت زمان، به دلیل گسترده شدن بساط خوش‌گذارانی مهدی، مجدداً فضای اختناق به وجود آمد. ۱۸. رفتار نا شایست خلیفه با یعقوب بن داوود (وزیر او)، در تذکر اخلاقی که وی به مهدی داده بود و نیز برخورد خلیفه با امام کاظم (ع) در مسأله تحریم شراب در قرآن، نمونه‌هایی از مخالفت مهدی با دستورهای اسلام بود. ۱۹.

پس از مهدی عباسی فرزندش هادی قدرت را در دست گرفت. هر چند مدت خلافت هادی بیش از یک سال طول نکشید، سبب حوادث بسیار تلخی گردید که برای شیعیان و امام کاظم (ع) بسیار ناگوار بود. او دائماً در این مدت کم، به فرمان‌روایش دستور می‌داد شیعیان را بازداشت کند و به زندان بيفکند. ۲۰. در دوره هادی، فرماندار مدینه شدید علیه شیعیان انجام می‌داد. ۲۱. این امر به قیام فخر در دوره هادی منجر شد. در این قیام انقلابی، حسین بن علی از شیعیان مدینه، چون از حکومت عباسیان و ستم بسیار ایشان به ستوه آمد، با رضایت تلویحی امام کاظم (ع)، علیه هادی قیام کرد و با گروهی حدود سیصد نفر از مدینه به سوی مکه به راه افتاد، ولی سپاهیان هادی در محلی به نام فخر، حسین و یارانش را محاصره کردند و او را به شهادت رساندند. ۲۲. پس از هادی، هارون برادر منصور حاکمیت را در دست گرفت. بیش‌ترین دوره امامت امام کاظم (ع) در زمان خلافت هارون سپری شد. هارون در نظر بسیاری از مورخان، انسانی چندشخصیتی بود و تعادل شخصیتی نداشت. گاهی دستور به نصیحت و

ص: ۵۰۸

توصیه می‌داد و تحت تأثیر آن می‌گریست و گاهی دستور به کشتار مردم بی‌گناه می‌داد. ۲۳. حکومت در این دوره از نظر موقعیت رفاهی، اقتصادی و نوسازی، در بهترین وضعیت قرار داشت. او از زیرکی خاندان برمکی در اداره امور کشور استفاده می‌کرد و از طریق مالیات زمین‌های فتح شده و جمع‌آوری زکات، درآمد بسیار خوبی داشت. ولی این ثروت بادآورده، در خدمت چاپلوسان و خوش‌خدمتان به دربار عباسی صرف می‌شد. هارون در این دوره، با امام کاظم (ع) به شدت برخورد کرد و دائماً امام را به بهانه‌های واهی به زندان می‌انداخت و عرصه را بر شیعیان روزبه‌روز تنگ‌تر می‌کرد تا این‌که حضرت را در سال ۱۸۴ قمری به شهادت رساند.

۱۷. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۰-۳۱.

۱۸. حیاة الامام، ج ۱، ص ۴۳۹-۴۴۵.

۱۹. الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۸۶..

۲۰. تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۱۴۲.

۲۱. تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۲۵.

۲۲. مقاتل الطالبیین، ص ۴۴۷.

۲۳. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ص ۲۴۱.

دوران امامت آن حضرت، با دو نظام سیاسی نامشروع بنی‌امیه و بنی‌عباس مصادف بود. انقراض بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس در آن زمان رخ داد و بیش‌تر عمر آن حضرت در این دوران بود. بنی‌عباس برای تحکیم قدرت خود، سیاست مکر و فریب را در مورد شیعیان در پیش گرفتند. البته دوران زندگانی جدش امام محمدباقر (ع) و نیز پدرش امام صادق (ع) که در دوره چالش دو نظام سیاسی نامشروع بنی‌امیه و بنی‌عباس بود، به پایان رسیده و ایجاد یک فضای باز سیاسی و کم‌رنگ شدن نظارت سخت‌گیرانه حاکمان وقت، در زمان زعامت امام کاظم (ع) از بین رفته بود. عباسیان در قلمرو سرزمین‌های اسلامی، در صدد تغییر اندیشه مسلمانان بودند، به ویژه در مسائل فقه‌ای و دیگر دانش‌ها، با ایجاد مرکز علوم فقهی و نیز ایجاد دارالترجمه دولتی در بغداد، تلاش کردند تا نیاز صاحب‌نظران به امام کم‌تر شود. اما به نظر می‌رسد این امر به دلیل ضعف استدلال علمی و فقدان معنویت در آن مقطع، توفیق زیادی نصیب آنان نکرد البته

برخورداری امام از "علم الهی"، شیعیان علاقه‌مند را راسخ‌تر در پیروی از مبارزه

ص: ۵۰۹

امام کاظم (ع) با فرعونیان عباسی می‌کرد. این امر، ناشی از آموزه‌های دین اسلام است و این‌که امام به عنوان رهبر مسلمانان، مبارزه با فرعونیان را به عنوان یک رکن دینی، واجب می‌دانستند. پر واضح است که عمده مخالفت‌ها و برخورد بنی‌عباس با امام کاظم (ع) از اندیشه‌های ناب ایشان برای تحقق نظام اسلامی ولایت‌محور و نیز از فعالیت‌های سیاسی فراگیر و گسترده امام بر ضد فرعونیان ستمگر حکایت دارد. امری که تحمل عباسیان را به سر آورد و احساس خطر جدی آنان را موجب شد؛ لذا آنان بنا به خوی درندگی‌شان، به زندان و تبعید امام روی آوردند.

۱. پایگاه علمی - فرهنگی

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی از دو جهت قابل‌توجه و تأمل است: یکی محتوا و درون‌مایه آن که یک سلسله باورها و ارزش‌های متعالی را برای بشر عرضه کرده تا با تحول در بینش و ارزش، تمام ساحات زندگی وی را تحت تأثیر قرار دهد و اصلاح کند. دیگر، شیوه تأثیرگذاری و درونی‌سازی آن باورها و ارزش‌ها به عنوان فرایندی که در بستر حوادث و جریان‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و نیز در درونی ساختن مؤلفه‌های فرهنگ، موثر است. از شیوه‌های ائمه (علیهم السلام) در تطبیق و درونی‌سازی فرهنگ، اصول و قواعدی که در نهادینه‌سازی بر آن‌ها تکیه شده است، می‌توان برای بازاندیشی فرهنگ آسیب‌دیده بهره‌برداری کرد. امام (ع) به عنوان حافظ ارزش‌ها و محتوای فرهنگ قرآنی در دوره عباسیان، به بازاندیشی فرهنگ دینی اقدام کردند. تقویت ابعاد علمی و فرهنگی برای بازاندیشی فرهنگ دینی، متنی است که زمینه‌اش برخی انحراف‌های فکری ایجادشده در جهت تخریب فرهنگ سیاسی امامت توسط بنی‌عباس بود.

امام مدینه را پایگاه فرهنگی و تربیتی خود قرار دادند. در این پایگاه فرهنگی که قبلاً امام باقر (ع) و امام صادق (ع) توسعه داده بودند، شیعیان زیادی از دور و

ص: ۵۱۰

نزدیک برای کسب فیض به محضر امام کاظم (ع) می‌رسیدند و در مدینه و مخصوصاً در ایام حج، از آن حضرت استفاده می‌کردند. با گسترش مکتب فکری ابوحنیفه در عراق و روی آوردن بسیاری از علماء و دانشجویان فقه به روش «قیاس»، امام کاظم (ع) از طریق یک عمل فرهنگی، با واکنش روشن وارد صحنه شدند و بر حفظ میراث فرهنگی به‌جای‌مانده از آنچه در دین خدا، قرآن و سنت است، پای فشردند. امام در این زمینه، ابایی از تخطئه مکتب ابوحنیفه نداشتند. در عین حال و با این‌که حضرت از اعمال قیاس منع می‌کردند (ان احکام الله لاتقاس)،^{۲۴} به اهمیت عقل و آن با این تعبیر:

«ان الله تبارک و تعالی اکمل للناس الحج بالعقل»^{۲۵}

تأکید می‌ورزیدند. گروه زیادی از عالمان و راویان حدیث در این مکتب فرهنگی، پیرامون امام کاظم (ع) گرد آمدند و آن حضرت با توانایی بسیار، آراء خردمندانه‌ای در دانش‌های گوناگون دینی ابراز کردند. سید بن طاووس می‌نویسد:

یاران و نزدیکان امام در مجلس درس آن بزرگوار حاضر می‌شدند و هر گاه او سخنی می‌فرمود یا در موردی نظری ارائه می‌داد، به ضبط آن مبادرت می‌کردند.^{۲۶}

پایگاه علمی فرهنگی امام که برای ایجاد تشکیلات سیاسی امامت امری ضروری بود، به تدریج شروع به عضوگیری کرد تا این‌که شاگردان مکتب امام کاظم (ع) در تمامی عرصه‌ها درخشیدند و چون بنیان‌های علمی و فکری قوی محسوب می‌شدند، فرعونیان عباسی تاب تحمل آنان را نداشتند و شروع به اعمال خشونت و فشارهای اجتماعی سیاسی کردند. یونس بن عبدالرحمان از جمله افراد این پایگاه فرهنگی است. وی در اعتقاد به امامت حضرت، چنان روشن‌بین

ص: ۵۱۱

و استوار بود که کوچک‌ترین نرمش و یا لغزشی را در مقابل منحرفان جایز نمی‌دانست و در برخورد با فرقه‌های انحرافی، موضع قاطعی داشت. او در پرتو انوار درخشان امام (ع) از چهره‌های درخشان جهان تشیع و شخصیتی ارزنده به شمار می‌رفت.^{۲۷} محمد بن مفضل بن عمر جعفی یکی دیگر از شخصیت‌های فرهنگی است. او را باب امام کاظم (ع) نامیده‌اند؛ زیرا او رابط میان مردم و حضرت بود. امام صادق (ع) توحید معروف خویش را به وی قرائت فرمود.^{۲۸}

۲۴. ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳.

۲۶. الانوارالبهیة، ص ۹۱.

۲۷. محمد بن علی اردبیلی، جامع‌الرواه، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۵۷.

۲۸. رجال کشی، ص ۲۱۰.

محمد بن علی بن نعمان نیز از شخصیت‌های فرهنگی محسوب می‌شود، کینه‌اش ابوجعفر و از بزرگان اصحاب امام ششم و امام هفتم بود. وی می‌توانست با هر مخالفی بحث کند و بر وی غالب گردد.^{۲۹}

عبدالله بن جندب بجلی از دیگر شخصیت‌های فرهنگی است. او مقام و شانیت بلندی نزد امام هفتم داشت و یکی از وکیلان آن حضرت به شمار می‌رفت؛ به طوری که فرزند امام، سوگند یاد کرد که عبدالله بن جندب مورد رضایت خدا و پیامبر (ص) و از مخبتین ماست. ۳۰ تعداد دیگری در پایگاه علمی امام فعالیت داشتند. ۳۱

امام در این پایگاه فرهنگی از فرصت‌ها و زمینه‌های پیش‌آمده مانند روز نوروز که مجبور شدند در یکی از جلسات منصور دوانیقی حضور بیابند، از فرهنگ‌سازی دریغ نکردند و در احیای فرهنگ اعتراض و آزادی‌خواهی تلاش وافری از خود نشان دادند. ۳۲

ص: ۵۱۲

۲. پایگاه ارتباطات تشکیلات

تشکیلات و ارتباطات، متنی برای اطلاع‌رسانی و پیام‌های سیاسی اجتماعی است که زمینه‌اش رهایی از تنگناهای سیاسی ایجاد شده توسط بنی‌عباس بود.

با گسترش شیعیان در مناطق مختلف سرزمین اسلامی، نیاز به یک شبکه ارتباطی هر روز بیش از پیش احساس می‌شد و اهل بیت هم بر همین اساس، به تأسیس شبکه ارتباطات اقدام نمودند. این مسأله قبل از امام کاظم (ع) آغاز شده بود، ولی حضرت، شبکه را بر اساس نیاز شیعیان گسترش و پنهانی‌تر کردند. اسامی افرادی به عنوان نماینده شبکه ارتباطات آن حضرت در تاریخ ثبت شده است؛ از جمله: مفضل بن عمر جعفی، عبدالرحمان بن حجاج، عبدالله بن جندب، علی بن یقطین، اسامه بن حفص، ابراهیم بن سلام نیشابوری، یونس بن یعقوب، علی بن ابی حمزه بطائنی، زیاد بن مروان قندی،

۲۹. همان، ص ۱۸۶.

۳۰. منتهی‌الامال، ج ۲، ص ۲۷۶.

۳۱. نک: معجم رجال حدیث، ج ۱۴، ص ۳۰۱.

۳۲. محدث نوری می‌نویسد: «منصور دوانیقی در عید نوروز امام را مجبور کرد که در مجلس عمومی بنشیند و مردم برای عرض تبریک به محضرش بیایند و هدایا و تحفه‌ها را به حضور آن حضرت بیاورند. امام به ناچار در آن مجلس نشست و فرمانداران و فرماندهان و امرای لشکری و کشوری و عموم مردم برای تهنیت می‌آمدند و هدایا و تحفه‌های فراوانی می‌آوردند و خادم منصور همه هدایا را ثبت می‌کرد. آخرین فردی که به حضور امام آمد، پیرمردی سالمند بود که به امام عرضه داشت: "ای پسر دختر رسول خدا (ص)؛ من مرد فقیری هستم که از مال دنیا بی‌بهره‌ام، اما سه بیت شعری را که جدم در رثای جدتان حضرت حسین بن علی (ع) سروده، به خدمتتان تقدیم می‌کنم." امام فرمود: "احسنت! بارک الله فیک! هدیه‌ات را پذیرفتم، بفرما بنشین!" آن‌گاه به خادم گفت: "از منصور بپرس در مورد این همه هدایا چه تصمیمی دارد." منصور گفت: "همه آن‌ها را به حضرت کاظم (ع) بخشیدم، هر طور دوست دارد مصرف کند." امام نیز تمام آن تحفه‌ها را به آن پیرمرد شیعی که زیباترین اشعار را در مرثیه امام حسین (ع) خوانده بود، بخشید و او را تشویق نمود." (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۶).

احمد بن ابی بشر سراج، عثمان بن عیسی رواسی و منصور بن یونس. ۳۳ به طور کلی، دریافت وجوهات شرعی و هدایا و کمک به مستمندان، وظیفه نمایندگان امام بود و گسترش شبکه ارتباطی میان ائمه و شیعیان به وسیله نامه و توقیعات و بر اساس ضرورت، برخی محرمانه بوده است. با افزایش جمعیت شیعیان در مناطق مختلف، نیاز به حفظ رابطه میان

ص: ۵۱۳

مردم و امام جدی شد. پیام‌های ارتباطی در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کرد. از امام کاظم (ع) بیش از نود نامه در موضوعات مختلف و خطاب به افراد گوناگون برجای مانده که نشان‌دهنده اهمیت آن امام همام به شبکه ارتباطات است. ۳۴

۳. پایگاه اقتصادی - معیشتی

مال در اسلام، ودیعه‌ای الهی معرفی شده که از جانب خداوند در اختیار بشر قرار گرفته است. در سوره مبارکه نور آیه ۳۳ به این امر مهم اشاره شده است: (وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ...). از این رو، حفظ مال و نعمت‌هایی که خداوند به انسان عطا کرده، همانند حفظ جان بر هر انسانی واجب است. امام در جهت این ارزش و باورهای قرآنی به انسجام‌دهی اقتصادی شیعیان اقدام می‌کردند. در واقع برنامه‌های اقتصادی ایشان بر اساس ارزش‌ها و باورهای قرآنی متنی بود که حمایت مالی از شیعیان، زمینه‌ای در مقابل عمل سیاسی مستکبران عباسی برای تضعیف و تحقیر مالی شیعیان به شمار می‌آمد.

گرچه برخی گزارش‌های تاریخی وضعیت اقتصادی فرعونیان عباسی را خوب توصیف کرده‌اند، اما شواهد فراوانی نشان می‌دهند که طبقه وسیعی از مردم در تنگ‌دستی زندگی می‌کردند. ۳۵ شورش‌ها و اعتراض‌های متعدد مردمی نیز نشان دهنده نارضایتی عمومی از اوضاع اجتماعی - اقتصادی در این عصر است. به گفته مسعودی، مالیات‌های بسیاری در زمان خلافت منصور از کشاورزان گرفته می‌شد. ۳۶ هم‌چنین وی سیاست سخت‌گیرانه اقتصادی و فشار مالی را علیه مردم در پیش گرفته بود تا مخالفان سیاسی را به ضعف بکشاند و زمینه

ص: ۵۱۴

۳۳. محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)، ج ۱، ص ۴۲۷.

۳۴. مکاتیب‌الائمه، ج ۵، ص ۳۰.

۳۵. احمد امین، ضحی‌الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۳.

۳۶. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۱۲.

شورش‌های مردمی را از بین ببرد. ۳۷ این قیام‌ها، یک پای در مخالفت فکری و سیاسی با دولت عباسی داشتند و پای دیگر در بی‌عدالتی‌های اجتماعی و نابه‌سامانی‌های اقتصادی. ۳۸ منصور و هارون، به طور آشکار، امام را از بسیاری از حقوق و مزایای اقتصادی و مالی محروم کرده بودند. زمانی که هارون در سفر به مدینه، برای جلب نظر مردم به همه کمک‌های مالی کرد، امام و خانواده شیعیان انقلابی را از این کمک محروم ساخت. هنگامی که مأمون علت آن را پرسید، جواب داد: «فقر او نزد من محبوب‌تر از غنای اوست. اگر به این مرد پول بدهم، هیچ تضمینی ندارم که فردا با صدهزار شمشیرزن از شیعیان و موالیانش علیه من قیام نکند.» ۳۹ اساساً یکی از بهانه‌های هارون بر دشمنی و قتل امام کاظم (ع)، جلوگیری از قدرت اقتصادی آن حضرت بود. هارون از اقتدار مالی امام می‌ترسید و از دریافت خمس و زکات و وجوهات شرعی توسط امام غضبناک بود. ۴۰ به طور کلی، اموال و ثروت امام کاظم (ع) شامل وجوهات، زکات، نذورات، صدقات و موقوفات می‌شد. این اموال را گاه، شیعیان مستقیماً تحویل امام می‌دادند و گاه، از طریق وکلا و نمایان امام دریافت و توزیع می‌گردید. با تقویت و گسترش سازمان وکالت در عصر امام کاظم (ع)، پرداخت‌های مالی شیعیان به تشکیلات امام نیز فزونی یافتند. ۴۱ وجود مبلغ هفتاد هزار دینار نزد زیاد بن مروان عیسی و مبلغ سی هزار دینار نزد علی بن حمزه از وکلای امام، از تشکیلات اقتصادی در آن عصر حکایت می‌کند. ۴۲

ص: ۵۱۵

هم‌چنین استفاده امام از موقوفه‌ها برای تقویت اقتصادی شیعیان صورت می‌گرفت. حضرت از درآمدهای حاصله از موقوفات، آن‌ها را در جهت تحکیم و گسترش تشیع به مصرف می‌رساندند. ۴۳ ایشان هم‌چنین یک‌سوم موقوفه پدرش را وصیت کردند. این امر نشان می‌دهد که اموال و املاکی از طریق موقوفه و ارث، از سوی امام صادق (ع) به ایشان منتقل شده بود. ۴۴ به غیر از اموال یاد شده، بخش دیگری به نام اموال شخصی بود که به امام تعلق داشت. این اموال به امام

۳۷. باقر شریف قرشی، حیاة الامام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۳۶۸.

۳۸. احمد امین، همان، ج ۱، ص ۱۳۶ - ۱۴۰.

۳۹. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۳۱.

۴۰. همان، ج ۴۸، ص ۱۳۲.

۴۱. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، ص ۲۸۰.

۴۲. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۴۶۷، ۱۴۰۱ ق.

۴۳. کافی، ص ۴۷ - ۴۸.

۴۴. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸.

هدیه داده می‌شدند. در بسیاری از موارد، شیعیان همراه خمس، زکات و وجوهات، هدایایی نیز برای شخص امام می‌فرستادند که امام آن را به مصرف تشکیلات شیعه می‌رساندند. ۴۵

امام هم‌چنین به سازماندهی و برنامه‌ریزی اقتصادی شیعیان توجه داشتند. قطعاً رهبری فکری جامعه و پرداختن به عبادت و امور معنوی، زمانی با تلاش‌های اقتصادی جمع می‌شود که انسان سازماندهی و برنامه‌ریزی دقیق و معقولی برای زندگی خود داشته باشد. این‌که امام کاظم (ع)، هم در صحنه فرهنگی و هم عرصه اقتصادی فعال و پرتلاش حاضر بودند، به دلیل اعتقاد و عمل به اصل برنامه‌ریزی در زندگی است. ایشان در مورد برنامه‌ریزی و مدیریت زمان و نقش آن در زندگی انسان تأکید فراوان کرده‌اند. ۴۶ حتی در جزئیات این برنامه‌ها، به یکی از یاران خود می‌فرماید که از راه حرام به نوسازی و رشد اقتصادی نمی‌توان رسید:

یا داوود! اِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِيْ وَ اَنْ نَّمِيَ لَا يُبَارَكُ لَهُ فِيْهِ وَمَا اَنْفَقَهُ لَمْ يُوجَرَ عَلَيْهِ وَمَا خَلَفَهُ كَانَ زَادَهُ اِلَى النَّارِ؛

ص: ۵۱۶

مال حرام زیاد نمی‌شود، اگر هم زیاد شود برکت ندارد و آنچه از مال حرام انفاق شود، پاداش ندارد و آنچه را هم باقی بگذارد، برای رفتن او به جهنم، خرج خواهد شد. ۴۷

امام در کنار برنامه‌های اقتصادی، موضع‌گیری‌هایی نیز علیه عباسیان داشتند؛ از جمله:

الف) مبارزه با الگوی مصرف، انحرافات اقتصادی و مفاسد عباسیان؛ ۴۸

ب) منع کمک مالی به حاکمان ظالم عباسی، چنان‌که وقتی صفوان جمال، از یاران حضرت شترهای خود را به هارون کرایه داده بود، وقتی حضرت او را توبیخ کردند. ۴۹

۴۵. برای نمونه، می‌توان به هدایایی که علی بن یقظین برای امام کاظم (ع) می‌فرستاد، اشاره کرد. وی از موقعیت خود برای کمک به شیعیان و محرومان و هم‌چنین کمک به شخص امام استفاده می‌کرد. (مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۴۵۶، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۰).

۴۶. حسین بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۸۱، ترجمه احمد جنتی، تهران: علمیه اسلامیة.

۴۷. جعفر الهادی، الشئون الاقتصادية، ص ۲۹۳، ۱۴۰۳ ق.

۴۸. امام کاظم (ع) بارها به خلفای ظالم دنیاپرست عباسی را از این‌که اموال عمومی را صرف خوش‌گذرانی خود می‌کردند، اعتراض و انتقاد شدید می‌کردند. (محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۸، ص ۱۳۸؛ عزیزالله عطاردی، مسند الامام الکاظم (ع)، ج ۲، ص ۱۴۴، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۴۰۹ ق).

۴۹. حضرت پس از آگاهی از کار صفوان به او فرمود: «چرا دشمنان ما را یاری می‌کنی؟» صفوان گفت: «من هیچ علاقه‌ای به هارون ندارم و بابت کرایه شترهایم از او پول می‌گیرم.» امام فرمود: «آیا تو آن‌گاه که برای مسافرت، به هارون شتر می‌دهی دوست نداری او به سلامت از سفر برگردد و اجاره شتران تو را بپردازد؟» صفوان عرض کرد: «این‌که معلوم است، هر عاقلی چنین خواسته‌ای را از خدای خویش می‌خواهد.» امام فرمود: «ای صفوان، برای تو همین بس که دوست داری مدتی ظالمی زنده بماند تا تو ضرری متحمل نشوی و این خواسته تو، موجب بقای ستمگر و رضای تو به ظلم‌های او می‌شود و این

امام در جهت برنامه‌ریزی تئوریک، اقدامات عملی نیز برای حمایت‌های مالی از دوستان و شیعیان انجام دادند. کمک‌های مالی امام به شیعیان در روایات متعددی، ذکر شده که نشان می‌دهند هدف امام، تقویت پایگاه اقتصادی شیعه بوده است. در روایتی - که قبلاً در بخش پایگاه فرهنگی بیان شد - امام در عید نوروز به دستور منصور به جمع‌آوری هدایای مردمی پرداختند و سرانجام، تمام

ص: ۵۱۷

آن هدایا را به فرد شیعه‌ای عطا کردند که ارادت و محبت خود را به اهل بیت و به ویژه امام حسین (ع) در قالب شعر بیان کرده بود. موارد بسیاری نقل شده ایشان به شیعیان عملاً کمک اقتصادی فراوانی می‌کردند. ۵۰

۴. پایگاه سیاست‌گذاری تشیع در مقابل فرعونیان

بی‌تردید برای استواری و مقاومت در راه عقیده، پشتوانه‌ای قوی و نیرومند لازم است. طبق آموزه‌های قرآنی، اتکا به حضرت پروردگار، بهترین پشتوانه هر انسان حقیقت‌طلب است. و توجه به عبادت و معنویت میان‌برترین و نزدیک‌ترین راه در معرفت و قرب به حق است. خداوند متعال می‌فرماید: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ)؛ «از صبر و نماز یاری بجوید». از آنجایی که اولیای خدا به ویژه امامان به امدادهای خداوندی باور قطعی داشتند، در برخورد با دنیاپرستان و طاغوت‌های زمان، بی‌واهمه و با قاطعیت و صلابت رفتار می‌کردند. و آنان با داشتن سرمایه ایمان، غیر از خداوند متعالی از هیچ نیرویی نمی‌ترسیدند که (فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا) ۵۲ «هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان می‌ترسد و نه از ظلم». امام نمونه بارزی از این اولیای الهی است.

امام کاظم (ع) برای سامانه مبارزات سیاسی و حمایت از شیعیان، از یاران نزدیک خود استفاده می‌کرد که با اجازه ایشان در مقام‌های دولتی حکومت عباسی باقی‌مانده بودند. استراتژی سیاسی امام، برگرفته از قرآن و بر پایه تقیه، تشکیلات و استقامت استوار بود. امام کاظم (ع) در میان ائمه اطهار، بیش‌ترین چالش سیاسی را با حکومت داشتند و در مبارزه با حاکمان جور، بخش اعظمی از عمر گرانمایه خود را در زندان به سر بردند.

ص: ۵۱۸

گناه بزرگی است. «صفوان در پی سخنان روشن‌گرانه امام، تمام شترهای خود را فروخت و خود را از این انحراف نجات داد، هرچند این اقدام، باعث کدورت بین صفوان و هارون شد. (باقر شریف قرشی، حیات الامام موسی بن جعفر (ع)، ج ۲، ص ۲۶۶، قم: اسلامیه، ۱۳۸۹ ق.)

۵۰. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الاثمه، ج ۲، ص ۷۵۸.

۵۱. بقره، آیه ۴۵.

۵۲. جن، آیه ۱۳.

سیاست همکاری نکردن، از مهم‌ترین بنیان‌های استراتژی ستیز امام بود. حضرت حکومت فرعونیان عباسی را غاصب می‌دانستند و چون در نظر ایشان این حکومت مشروعیت نداشت، هیچ‌گونه همکاری با آنان انجام نمی‌دادند.^{۵۳}

سیاست تقیه گام بنیادین دیگر استراتژی ستیز امام بود. زندانی شدن امام، موجب نشد معارف و اندیشه‌های ایشان از بین برود، زیرا برای هدایت جامعه تنها جسم فرد شرط نیست، بلکه حضرت در دوران امامت خود با پرورش شاگردان سیاسی، در فعالیت‌های مخفیانه برای گسترش تشکیلات و نیز پرورش شاگردان علمی برای حضور در مناظره‌ها و مباحثه‌های علمی، با تفکرات مادی‌گرایانه و نظرهای ملحدانه مبارزه کردند.^{۵۴} فرعونیان عباسی به شدت از استراتژی‌های سیاسی امام در اضطراب به سر می‌بردند. بعضی شواهد تاریخی (از جمله حمایت ضمنی امام از قیام شهید حسین فح و ...) این اضطراب را به خوبی نشان می‌دهد. بسیار روشن است که عمده مخالفت‌های بنی‌عباس با امام کاظم (ع) از اندیشه‌های ایشان برای تحقق نظام سیاسی اسلامی و نیز از فعالیت‌های سیاسی فراگیر ایشان بر ضد فرعونیان عباسی حکایت دارد.^{۵۵}

ص: ۵۱۹

تقیه از روش‌های مهم استراتژی ستیز به شمار می‌آمد. این امر در سازماندهی سیاسی و حفظ یاران بسیار مؤثر بود؛ زیرا موجب می‌شد که نیروها شناسایی نشوند و شیعیان به سازماندهی خود بپردازند تا در فرصت مناسب علیه حکومت مبارزه کنند. معمر بن خلاد، از یاران امام کاظم (ع) بود، از آن حضرت پرسید: «چگونه باید در برابر حاکمان ستمگر ایستاد و از اسلام پاسداری کرد؟» امام از قول امام باقر (ع) فرمودند: «رازداری و با پوشش عمل کردن، از برنامه‌های دینی من و پدران من است؛ آن که به تقیه عمل نمی‌کند ایمان ندارد.»^{۵۶}

۵۳. امام کاظم (ع) برای سامان دادن به تشکیلات سیاسی شیعی، برنامه‌هایی تدارک دیدند که بر اساس آن، نیروهای فعال و مطمئن در مسئولیت‌های کلیدی حکومت قرار می‌گرفتند. علی بن یقظین یکی از اعضای فعال آن بود. او بارها از امام خواست تا اجازه دهد از مسئولیت‌های خویش کنار رود، ولی امام بدان رضایت نمی‌دادند و به او می‌فرمودند: «شاید خداوند به وسیله تو شکسته‌احوالی‌ها را جبران و آتش فتنه مخالفان را از دوستان خویش دفع کند.» در جای دیگر فرمودند: «خداوند اولیایی میان ستمگران دارد که به وسیله آنان از بندگان نیک خود حمایت می‌کند و تو از اولیای خدایی.» علی بن یقظین بنا به دستور امام کاظم (ع) اموری را به عهده داشت؛ از جمله: خبررسانی از دربار به امام و حمایت مالی از شیعیان. (رجال کشی، ص ۴۳۳)

۵۴. رجال کشی، ص ۳۸۰.

۵۵. روزی هارون (شاید به منظور آزمایش و کسب آگاهی از آرمان امام هفتم) به آن حضرت اعلام کرد که حاضر است فدک را به ایشان برگرداند. امام فرمود: «در صورتی حاضرم فدک را تحویل بگیرم که آن را با تمام حدود و مرزهایش پس بدهی.» هارون پرسید: «حدود و مرزهای آن کدام است؟» امام فرمود: «اگر حدود آن را بگویم هرگز پس نخواهی داد.» هارون اصرار کرد و سوگند یاد نمود که این کار را انجام خواهد داد. آن گاه امام حدود آن را چنین تعیین فرمود: «حدّ اولش، عدن؛ حدّ دومش، سمرقند؛ حدّ سومش، افریقا و حدّ چهارمش مناطق ارمنیه و بحر خزر است.» هارون که با شنیدن هر یک از این حدود، تغییر رنگ می‌داد و به شدت ناراحت می‌شد، نتوانست خود را کنترل کند و با خشم و ناراحتی گفت: «در این صورت چیزی برای ما باقی نمی‌ماند.» امام فرمود: «می‌دانستم که نخواهی پذیرفت و به همین دلیل از گفتن آن امتناع داشتم.» (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۲۰)

۵۶. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۰۴.

هارون کسانی را بر حضرت گماشته بود تا از آنچه در گوشه و کنار خانه امام (ع) می‌گذرد، وی را آگاه کنند. هارون از محبوبیت بسیار و معنویت نافذ حضرت سخت بیمناک بود. چنان‌که نوشته‌اند درباره امام کاظم (ع) می‌گفت: «می‌ترسم فتنه‌ای برپا کند که خون‌ها ریخته شود». این طبیعی است که هارون برای خنثی‌سازی قیام شیعیان و علویان، حامیان اهل بیت (علیهم السلام) را فتنه‌گر بنامد. ۵۷

در زمان هارون، ابتدا امام را به زندان بصره بردند. ۵۸ و سپس به بغداد آوردند. ۵۹

ص: ۵۲۰

و سرانجام به شهادت رساندند. ۶۰ شهید مطهری (قدس سره) بعد از ذکر عوامل و علل به شهادت رساندن ایشان می‌نویسد:

خلفا می‌دیدند که امامان را از هیچ راهی و به هیچ وجهی نمی‌توانند وادار به تمکین بکنند، به همین دلیل بهترین راه و آسان‌ترین راه را شهادت آن بزرگواران می‌دانستند، با این که متوجه بودند که شهید کردن ائمه چقدر برایشان گران تمام می‌شود. ۶۱

امام کاظم (ع) برای تقویت استراتژی ستیز و کسب اطلاعات از درون تشکیلات فرعونیان عباسی، برخی افراد را به صورت نفوذی در درون حکومت قرار می‌دادند. علی بن یقطین از جمله عوامل نفوذی امام در نظام حکومتی هارون

۵۷. منتهی الامال، مطبوعاتی حسینی، ص ۸۱۲-۸۱۴، ۱۳۷۱.

۵۸. عیسی بن جعفر، عباس و شراب‌خوار و نوه منصور دوانیقی والی بصره بود. امام را تحویل او دادند. او پس از مدتی بر اثر معنویت به ایشان علاقه‌مند و مرید امام شد و دستور داد جای مناسبی را در اختیار امام قرار دادند و رسماً از امام پذیرایی می‌کرد. هارون محرمانه پیغام داد که امام را به قتل برسان. عیسی جواب داد: «من چنین کاری نمی‌کنم.» اواخر، خودش به خلیفه نوشت: «دستور بده ایشان را از من تحویل بگیرند والا خودم او را آزاد می‌کنم.» مقاتل الطالبیین، ص ۳۳۵

۵۹. امام را در بغداد تحویل فضل بن ربیع دادند. او هم بعد از مدتی به امام علاقه‌مند شد، و وضع بهتری برای امام قرار داد. جاسوس‌ها به هارون خبر دادند که حضرت در زندان فضل به خوشی زندگی می‌کند. هارون امام را از او گرفت و تحویل فضل بن یحیی برمکی داد. او هم بعد از مدتی با امام همین طور رفتار کرد و بالاخره امام را گرفت و فضل بن یحیی مغضوب واقع شد. بعد پدرش یحیی برمکی امام را از پسر تحویل گرفت و تحویل زندانبان دیگری به نام سندی بن شاهک داد و در زندان او خیلی بر امام سخت گذشت. (مقاتل الطالبیین، ص ۳۳۶)

۶۰. در آخرین روزهایی که امام زندانی بود و تقریباً یک هفته پیش‌تر به شهادتشان باقی نمانده بود، هارون یحیی برمکی را نزد امام فرستاد و با زبان بسیار نرم و ملایمی به او گفت: «از طرف من به پسر عمویم سلام برسانید و به او بگویید بر ما ثابت شده که شما گناه و تقصیری نداشته‌اید ولی متأسفانه من قسم خورده‌ام و قسم را نمی‌توانم بشکنم. قسم خورده‌ام که تا اعتراف به گناه نکنی و از من تقاضای عفو نمایی، تو را آزاد نکنم. هیچ‌کس هم لازم نیست بفهمد. همین قدر در حضور یحیی اعتراف کن؛ حضور خودم هم لازم نیست؛ حضور اشخاص دیگر هم لازم نیست؛ من همین قدر می‌خواهم قسم را شکسته باشم. در حضور یحیی، همین قدر اعتراف کن و بگو معذرت می‌خواهم، من تقصیر کرده‌ام، خلیفه مرا ببخشد، تو را آزاد می‌کنم و بعد بیا پیش خودم چنین و چنان کن!» حضرت فرمود: «به هارون بگو از عمر من دیگر چیزی باقی نمانده است.» (مقاتل الطالبیین، ص ۳۳۶)

۶۱. سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۹۰.

به‌شمار می‌آمد که تا مقام صدارت راه یافته بود. او به کمک رهنمودهای امام و بصیرت خویش، کارهای مهمی را به نفع شیعیان انجام می‌داد. یادآوری نظرهای امام به طور غیر محسوس در جلسات داخلی هیأت حاکمه، گزارش اخبار داخلی و تصمیمات حکومت غاصب به امام، ارسال کمک‌های مالی به امام و شیعیان،

ص: ۵۲۱

تشکیل گروه‌های حج از شیعیان بی‌بضاعت، و خدمات اجتماعی و اداری به یاران امام، برخی از دستاوردهای نفوذ علی‌بن‌یقطین در حکومت هارون بود.

مسیب‌بن‌زهیر نیز از شیعیان مخلصی بود که در ظاهر، در سمت جانشین سندی‌بن‌شاهک، به فرماندهی نیروهای نظامی هارون منصوب شده بود. او علاوه بر رساندن پیام‌های امام از داخل زندان به دوستان و شیعیان حضرت، کراماتی نیز از ایشان نقل می‌کرد که در بیداری برخی افراد تأثیر داشت. حاکم ری و برخی از کارگزاران حکومتی نیز در شبکه نفوذی امام انجام وظیفه می‌کردند. ۶۲ البته آن حضرت اگر احساس می‌کردند کسانی که به نظام حکومتی داخل می‌شوند، نمی‌توانند به نفع اهل حق و شیعیان عمل نمایند، آنان را از همکاری با طاغوت نهی کرده، از عواقب وخیم آن بر حذر می‌داشتند؛ از جمله زیادبن‌ابی‌سلمه از یاران امام که از طریق مبارزه منفی با حکومت او را از همکاری بازداشتند. ۶۳

امام کاظم (ع) در ادامه استراتژی ستیز با فرعونیان عباسی، از روش مبارزه منفی علیه حکومت استفاده می‌کردند که در قالب‌های مختلف از جمله عدم مساعدت مالی به نظام سیاسی، ظهور می‌نمود. ۶۴ مبارزه منفی با نظام سیاسی هارون، چنان بود که بارها شنیده می‌شد که امام، ولایت و حاکمیت هارون را باطل می‌دانند. و کم‌ترین مسامحه‌ای از حضرت در برخورد با حکومت بنی‌عباس دیده نمی‌شد. ۶۵ مبارزه منفی و روش تقیه، باعث شد تا حضرت بخش عمده‌ای از عمرشان را در زندان گذرانند، با وجود این، شاگردان سیاسی و کارآمدی تربیت کردند که در برابر حکومت جور و گروه‌های انحرافی می‌ایستادند و در عرصه علمی و اجتماعی از اطمینان بالایی برخوردار بودند.

ص: ۵۲۲

شاگردان سیاسی برای پایگاه سیاست‌گذاری سیاسی تشیع

محمدبن‌ابی‌عمیر، یکی از شاگردان سیاسی مکتب امام است. او بسیار زاهد و متقی و از فرهیختگان و شاگردان سیاسی و کارآمد امام به شمار می‌آمد. وی را به سبب وابستگی به پایگاه سیاست‌گذاری امام به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم

۶۲. معجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۱۷۹.

۶۳. کافی، ج ۵، ص ۱۱۰.

۶۴. مانند ماجرای صفوان صفوان جمال. (رجال کشی، ص ۴۴۱).

۶۵. بصائر الدرجات، ج ۹ ص ۱۲۹.

کردند. ۶۶ نیز علی بن یقطین که در حکومت هارون نفوذ داشت، امام که بر اساس صلاحدید خویش، می‌خواستند این نیروی ارزشمند را حفظ کنند، به او پیام دادند و فرمودند: «از امروز سعی کن وضوی خویش را بر روش هارون و اهل سنت انجام دهی». ۶۷ در ماجرای دیگری که هارون به علی بن یقطین بدبین شده بود، پس از توصیه‌های امام به علی بن یقطین، هارون خشم خود را فرو برد و رو به وی کرد و گفت: «هرگز سخن هیچ سعایت‌کننده‌ای را علیه تو نخواهم پذیرفت». ۶۸ به هرحال علی بن یقطین، ظاهراً با هارون بود، اما به هدف‌های امام خدمت می‌کرد و دستورهای امام را اجرا می‌نمود و بدین جهت از هر شری مصون ماند. ۶۹

هشام بن حکم پرورش‌یافته مکتب امام صادق (ع) بود. او نیز از شاگردان پایگاه سیاست‌گذاری امام کاظم (ع) به شمار می‌آمد که به علت دشمنی با بنی عباس، سال‌ها مخفیانه زندگی می‌کرد. امام کاظم (ع) او را حافظ و شهادت‌دهنده بر راستی خویش می‌دانستند و بارها او را برای انجام دادن کارهای شخصی یا عمومی به عنوان وکیل تعیین فرمودند. هارون که در پی فرصتی بود تا هشام را به قتل برساند، جلسه‌ای با حضور دانشمندان وابسته در منزل یحیی برمکی ترتیب

ص: ۵۲۳

داد و خود از پشت پرده به نظاره نشست. هشام که دارای فراست و شجاعت بود، به آنچه اعتقاد داشت اعتراف کرد و از آن جلسه گریخت و از بغداد به کوفه رفت و در منزل بشیر که از شیعیان معروف بود، وارد گردید. او دانشمندی آگاه، متکلمی بزرگ و دارای صراحت بیان بود. ۷۰

صالح بن واقدی از دیگر شاگردان پایگاه سیاست‌گذاری امام بود. وی می‌گوید: «خدمت امام کاظم (ع) رسیدم؛ حضرت فرمودند: "هارون تو را زندانی می‌کند و در باره من از تو می‌پرسد، بگو او را نمی‌شناسم و آن‌گاه که به زندان افتادی تو را آزاد می‌کنم". همان‌گونه هم شد. او به برکت کرامت امام از چنین دسیسه‌ای رهایی یافت و توانست مدت‌ها در طبرستان به دفاع از حریم پایگاه سیاست‌گذاری امام بپردازد». ۷۱

خنثی‌سازی سیاست‌های فریب‌کارانه فرعونیان عباسی

۶۶. رجال کشی، ص ۴۶.

۶۷. قرب‌الاسناد، ص ۱۲۶.

۶۸. سیره‌الائمة‌الانتی عشر، ج ۲، ص ۳۲۲-۳۲۳.

۶۹. سیری در سیره‌ائمه اطهار (ع)، ص ۱۸۱.

۷۰. رجال کشی، ص ۲۶۹.

۷۱. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۶۷.

مهدی، سومین خلیفه عباسی، در اقدامی عوام‌فریبانه اعلام کرد که هر کس حقوقی بر گردن نظام سیاسی او دارد، می‌تواند برای رسیدن به حق خود اقدام نماید. او در حرکتی نمادین، مشغول پرداخت حقوق مردم شد. امام کاظم (ع) برای خنثی‌سازی حربه مهدی، ماجرای فدک را در پیش کشیدند که پاسخی به زمینه‌سازی کاذبانه او باشد. ۷۲ هم‌چنین در خنثی‌سازی سیاست‌های فریب‌کارانه

ص: ۵۲۴

هارون، با صراحت به او پیام رسانند که امام و رهبری واقعی، کسی است که بر دل‌ها حکومت کند نه این‌که بر اساس ظاهر رفتار مردم و زور حکومتی تأیید شود. ۷۳ حضرت هم‌چنین برای غلبه بر روحیه تکبرورزی هارون، از فرهنگ قرآنی استفاده می‌کردند و به او پیام‌های هشداردهنده می‌دادند. ۷۴

حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه

در عصر امام کاظم (ع) حرکت‌های اعتراض‌آمیز متعددی از ناحیه شیعیان و علویان در برابر خلفای عباسی صورت گرفت. قیام حسین بن علی، شهید فخر، در زمان حکومت هادی عباسی و جنبش یحیی و ادریس فرزندان عبدالله در زمان

۷۲. در آن‌جا گفت‌گوی ذیل میان خلیفه و امام کاظم (ع) به وقوع پیوست:

مهدی گفت: «حقوق شما چیست؟» «فدک.» «محدوده فدک را مشخص کن تا به شما بازگردانم.» «حدّ اول آن، کوه احد، حدّ دوم عریش مصر، حدّ سوم سیف البحر (دریای خزر) و حدّ چهارم دومة الجندل [سرزمین عراق] است» «همه اینها!» «آری!» خلیفه آن چنان ناراحت شد که آثار غضب در چهره‌اش پدیدار گشت و گفت: «مقدار زیادی است، باید ببیندیشم.» امام کاظم (ع) با این سخن به او فهماند که حکومت حق ایشان است و زمام حکومت بر دنیای اسلام باید در دست اهل بیت (علیهم السلام) باشد. (تهذیب، ج ۴، ص ۳۰۴)

۷۳. روزی هارون در کنار کعبه، امام کاظم (ع) را ملاقات نمود و در ضمن سخنانی به امام (ع) گفت: «آیا تو هستی که مردم مخفیانه با تو بیعت می‌کنند و تو را به رهبری خویش برمی‌گزینند؟» حضرت با کمال شهامت فرمود: «أَنَا أَمَامُ الْقُلُوبِ وَأَنْتَ أَمَامُ الْجُسُومِ؛ من بر دل‌های مردم حکومت می‌کنم، و تو بر جسم‌های آنان!» (طوسی، معرفه الرجال، ص ۴۳۴)

۷۴. در مقابل مشی استکباری هارون با تلاوت آیه ۱۴۶ سوره اعراف به وی هشدار داد که: (سَاصِرُفْ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا)؛ «به زودی از آیات خود دور خواهیم نمود کسانی را که به ناحق در روی زمین ادعای بزرگی می‌کنند و اگر آنان هر آیه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند و اگر راه رشد و کمال را ببینند، به سوی آن حرکت نمی‌کنند، ولی اگر راه گمراهی را ببینند، به سوی آن خواهند رفت.» هارون پرسید: «دنیا خانه کیست؟» حضرت فرمود: «دنیا برای شیعیان ما مایه آرامش و برای دیگران آزمایش است.» در آخر این گفت‌گو، هارون با درماندگی تمام پرسید: «آیا ما کافریم؟» پیشوای هفتم پاسخ دادند: «نه، ولی چنان هستی که خداوند متعالی فرموده است: (الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَاحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ)؛ کسانی که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را در محل تباهی فرو بردند.» (هدایت‌گران راه نور، ص ۷۰۰).

امام در یکی از نامه‌های حماسی خویش که از زندان به کاخ هارون ارسال نمود، چنین نگاشت: «ای هارون! هیچ روز سخت و پر محنتی بر من نمی‌گذرد، مگر این‌که روزی از راحتی و آسایش و رفاه تو کم می‌گردد؛ اما بدان که هر دو، رهسپار روزی هستیم که پایان ندارد و در آن روز، مفسدان و تبهکاران زیان‌کار و بیچاره خواهند بود.» (تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۲)

هارون از مهم‌ترین آن‌ها بود. در واقع علویان مهم‌ترین رقیب عباسیان بودند و طبیعتاً نظام سیاسی عباسیان آنان را سخت زیر نظر داشت.

ص: ۵۲۵

گروهی از فرزندان ائمه (علیهم السلام) و نیز سادات و علویان، طی مبارزات و قیام‌هایی حضرت را در دفاع از جبهه حق و افشای باطل یاری می‌رساندند. در دوران حاکمیت منصور و فرزندش مهدی اوضاع طاقت‌فرسایی بر شیعیان مدینه سایه افکند. خفقان آن چنان علویان را احاطه کرد که آنان چون آتشی زیر خاکستر در صدد پیدا کردن فرصتی بودند تا بر هژمونی سلطه غلبه کنند. وقتی مهدی عبدالعزیز از نوادگان عمر و یکی از دشمنان معروف اهل بیت را به عنوان والی مدینه منصوب کرد، او حقوق علویان را از بیت‌المال قطع کرد و دستور داد تا سادات و شیعیان انقلابی را بازداشت کنند. از این‌رو زمینه‌های شورش شیعیان فراهم گردید. حسین بن علی بن حسن مثلث، از نوادگان امام حسن مجتبی (ع)، رهبری «قیام فح» را عهده‌دار شد. وجود دویست نفر از اصحاب امام کاظم (ع) و بزرگان بنی‌هاشم در این نهضت و تأیید ضمنی امام از وی، دلیل قانع‌کننده بر موافقت حضرت با جنبش مذکور است. بنا به گفته برخی مورخان، حسین قبل از قیام خونین، شبانه به محضر امام آمد و امام ضمن سفارش‌هایی به وی فرمود: «تو شهید خواهی شد؛ ضربه‌ها را محکم و نیکو بزن! این مردم فاسقند و در ظاهر ایمان دارند و در باطن خود نفاق و شک را پنهان می‌سازند.»^{۷۵} در ادامه جنبش‌های آزادی‌خواه، یحیی بن عبدالله از یاران انقلابی رهبر قیام فح، بعد از کشته شدن حسین به سرزمین دیلم گریخت. او در آن‌جا شیعیان را مجتمع کرد. هارون که از فعالیت وی واهمه داشت، فضل بن یحیی را با لشکری زیاد به سوی او روانه داشت. پس از جنگ فضل با یحیی بن عبدالله، این امر باعث پراکندگی یارانش شد و او را به صلح وادار کردند، هارون از فرصت پیش‌آمده استفاده کرد و پس از مدتی برخلاف تعهدش او را به زندان افکند و دستور داد تا او را به شهادت برسانند.^{۷۶}

ص: ۵۲۶

از دیگر قیام‌های آزادی‌خواه قیام احمد بن عیسی است. او از دوست‌داران امام کاظم (ع) بود و هم‌زمان با جنبش یحیی قیامی ترتیب داد. هارون وی را به زندان انداخت. او از محبس گریخت و به بصره رفت. از آن‌جا با شیعیان مکاتبه داشت و مردم را علیه دستگاه عباسی برمی‌انگیخت.^{۷۷}

از دیگر قیام‌های آزادی‌خواه، می‌توان به قیام عبدالله بن حسن و حسین بن عبدالله اشاره کرد. آنان از بزرگان شیعه و مطیع امام کاظم (ع) بودند و گروه عظیمی از شیعیان را به گرد خودشان فراخواندند و مخالفت خود را با فرعونیان عباسی آغاز

۷۵. مقاتل الطالبیین، ص ۴۴۹.

۷۶. همان، ص ۳۸۸.

۷۷. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۰۰.

کردند. آن‌ها سرانجام به زندان افتادند و زندان را محل آموزش عقاید انقلابی خویش ساختند و از طریق پیام‌های مخفیانه با امام کاظم (ع) در زندان نسیم نشاط را در خود احیا کردند تا آن‌که سرانجام به شهادت رسیدند. ۷۸

به نظر می‌رسد قیام‌های علویان که در جهت حمایت از امامت و رهبری امام کاظم (ع) رخ می‌داد، بر اساس باور آزادگی و آزادی‌خواهی بود که امام حسین (ع) اول پرچمدار آن به شمار می‌آمد. این قیام‌ها، متن و پاسخی بود بر زمینه‌های فشار سیاسی که روز به روز فرعونیان عباسی بر امام و طرفدارانش وارد می‌ساختند. آنان با ایشار و استقامت، بقای تشکیلات تشیع را بر اساس استراتژی ستیز امام کاظم (ع) بر شاکله تاریخ استوار کردند. صبر جزیل و مقاومت بی‌بدیل امام کاظم (ع) توشه‌ای برای تشیع و اعتراض به موقع حضرت هم‌چون جدش هشدار برای فرعونیان عباسی بود. او هم‌چون دری در اعماق زندان فرعونیان می‌درخشید و حقانیت امامت و دعا‌های عرفانه با خدای بزرگ را نجوا می‌کرد و در هر لحظه تاریخ، خفت و خواری را بر چهره فرعونیان عباسی می‌افزود. آن حضرت قهرمانانه، با صلابت و ستیز، به ستمگران تاریخ آموختند که با زنجیر

ص: ۵۲۷

استبداد، چراغ آزادی و کرامت را نمی‌توان خاموش کرد. کرامت «کاظم» به بلندای یک جهان مقاومت و ایستادگی هم‌چون جدش حسین (ع) در برابر فرعونیان شکنجه‌گر بود، عظمتی بی‌پایان به بلندای افق در سحر بود. فریاد صاعقه خیزش به مانند فریاد مادرش فاطمه (علیها السلام) شراره‌ای از آتش بر خرمن هستی پلید هارون و تبارش می‌افکند. و همیشه در اذهان بیدار آدمیت، در اوج و حضيض آزادی‌خواهان، هم‌چون جدش قرار گرفت.

نتیجه

ایجاد فضای بسته سیاسی و شدت گرفتن نظارت سخت‌گیرانه نظام سیاسی نامشروع بنی‌عباس، در زمان زعامت امام کاظم (ع) از مهم‌ترین معضلات تشیع محسوب می‌شد. عباسیان در قلمرو سرزمین‌های اسلامی، در صدد تغییر اندیشه و حذف تشیع بودند و روز به روز عرصه‌های فرهنگی، فکری، سیاسی و اقتصادی را بر شیعیان تنگ‌تر می‌کردند. امام با رهیافتی راهبردی، به بازاندیشی فرهنگ دینی اقدام کردند. تقویت ابعاد علمی و فرهنگی، برای بازاندیشی فرهنگ دینی متنی است که زمینه‌اش برخی انحراف‌های فکری ایجاد شده در جهت تخریب فرهنگ سیاسی امامت توسط بنی‌عباس تلقی می‌شد. از این رو امام برای تضعیف استبداد سیاسی به این امر همت گماشتند. شبکه ارتباطات محور دیگر تشکیلات امامت بود. این شبکه متنی برای اطلاع‌رسانی و پیام‌های سیاسی - اجتماعی بود که زمینه‌اش رهایی از انسداد و فشارهای سیاسی ایجاد شده توسط بنی‌عباس بود. با گسترش شیعیان در مناطق مختلف سرزمین اسلامی، نیاز به یک شبکه ارتباطی قوی احساس می‌شد و امام کاظم (ع) نیز بر همین اساس، به تأسیس شبکه ارتباطات اقدام نمودند. گسترش شبکه ارتباطی میان امام و شیعیان، به وسیله نامه و توقیعات و بر اساس ضرورت و به شیوه محرمانه بود. با افزایش جمعیت شیعیان در مناطق مختلف، نیاز به حفظ

ص: ۵۲۸

رابطه میان مردم و امام جدی بود. پیام‌های ارتباطی در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کرد.

محور دیگر پایگاه اقتصادی معیشتی امام بر اساس ارزش‌ها و باورهای قرآنی متنی است که حمایت مالی از شیعیان، زمینه‌ای در مقابل عمل مستکبران عباسی برای تضعیف و تحقیر مالی شیعیان محسوب می‌شد. اساساً یکی از بهانه‌های هارون بر دشمنی و قتل امام کاظم (ع) جلوگیری از قدرت اقتصادی آن حضرت بود. اقدامات عملی امام نیز در جهت برنامه‌ریزی تئوریک ایشان، برای حمایت‌های مالی و تقویت پایگاه اقتصادی شیعیان بود.

چهارمین پایگاه تشکیلات، سیاست‌گذاری تشیع در مقابل فرعونیان با رویکرد عدم همکاری، از مهم‌ترین بنیان‌های استراتژی ستیز امام به شمار می‌آمد. تاکتیک تقیه در این زمینه، گام بنیادین استراتژی ستیز امام بود. این امر در سازماندهی سیاسی و حفظ یاران بسیار اثر داشت؛ زیرا موجب می‌شد که نیروها شناسایی نشوند و شیعیان به سازماندهی خود بپردازند تا در فرصت مناسب علیه حکومت مبارزه کنند. عباسیان چون از هیچ راهی و به هیچ وجهی نتوانستند امام را وادار به تمکین کنند، بهترین راه و آسان‌ترین شیوه را شهادت آن بزرگوار می‌دانستند، با این که متوجه بودند شهید کردن امام چقدر برایشان گران تمام خواهد شد.

در مجموع، نهاد امامت به رهبری امام کاظم (ع) با اتخاذ استراتژی ستیز از طریق اقدام و عمل فرهنگی اجتماعی مانند تقیه، مبارزه منفی و استقامت، ساخت قدرت عباسیان را نقد و آن را نفی کرده‌اند و در مقابل، تشکیلات شیعه باهمت امام، اقدام به بازتولید واکنش جدید از طریق پایگاه‌های فرهنگی، سیاسی، ارتباطی و اقتصادی به حفظ تشیع کرد و این درس بزرگ را داد که برای مبارزه با استبداد سیاسی علی‌رغم تنگناهای بسیار با رهبری خردمندانه می‌توان حماسه آفرید.

ص: ۵۲۹

منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، فخرالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی‌الکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۸ ق.
۳. ابن جوزی، شمس‌الدین، تذکره الخواص، بیروت: مؤسسه اهل بیت، ۱۴۰۱ ق.
۴. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی‌طالب، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۱ ق.
۵. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمه (علیهم السلام)، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۵.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، قم: شریف رضی، ۱۴۲۱ ق.
۷. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.

۸. اسکینر، کوئنتین، ماکیاولی، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو، ۱۳۷۲.
۹. اصفهانی، ابوالفرج، اغانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ ق.
۱۰. -؛ مقاتل الطالبیین، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۱۱. امین، احمد، ضحی الاسلام، مصر: النهضة المصرية، ۱۳۸۵ ق.
۱۲. امین، محسن، المجالس السنیّه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۰.
۱۴. جبّاری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- ص: ۵۳۰
۱۵. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم: انصاریان، ۱۳۸۶.
۱۶. جمعی از نویسندگان، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۲.
۱۷. حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه، ۱۳۴۴.
۱۸. حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
۱۹. حرانی، حسین بن شعبه، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، تهران: علمیه اسلامی، ۱۳۵۵.
۲۰. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالعرب الاسلامی، ۱۴۲۲ ق.
۲۱. رفاعی، عبدالجبار، منهج الشهد صدر فی تجدید الفکر الاسلامی، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۲۲ هـ.
۲۲. زمانی، مصطفی، زندگانی امام کاظم، قم: عصر ظهور، ۱۳۷۸.
۲۳. شریف قرشی، باقر، حیاة الامام موسی بن جعفر (ع)، قم: اسلامی، ۱۳۸۹ ق.
۲۴. شیخلی، صباح ابراهیم، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالمزاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
۲۵. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ یازدهم، ۱۳۹۹ ق.
۲۶. -، فلسفتنا، قم: مجمع علمی للشهد صدر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۲۷. -، مدرسه الاسلامیه، ترجمه علی کاظمی خلخالی، تهران: نشر عطایی، ۱۳۶۲.
۲۸. صدوق، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.

۲۹. طالب، عائده عبدالمنعم، الامام موسى الكاظم في محفه التاريخ، بيروت: دارالرسول الاسلام، ۱۴۲۱ ق.

۳۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.

۳۱. طوسی، حسن بن محمد، اختیار معرفه الرجال، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۰۱ ق.

ص: ۵۳۱

۳۲. -، تهذیب، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

۳۳. -، رجال کشی (اختیار معرفه الرجال)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۲.

۳۴. -، الغیبه، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

۳۵. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الكاظم (ع)، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۴۰۹ ق.

۳۶. فروخ صفار قمی، ابوجعفر محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: مکتبه المرعشی، ۱۴۰۴ ق.

۳۷. قائمی، علی، در مکتب اسوه ولایت، تهران: امیری، ۱۳۷۶.

۳۸. قمی، شیخ عباس، انوارالبیّه، قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۷ ق.

۳۹. -، منتهی الامال، تهران: مطبوعات حسینی، ۱۳۷۱.

۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: اسلامی، ۱۳۶۲.

۴۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۴۲. مدرسی، سید محمد تقی، زندگانی باب الحوائج حضرت موسی بن جعفر (ع)، تهران: محبان الحسین (ع)، ۱۳۷۹.

۴۳. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.

۴۴. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، تهران: صدرا، ۱۳۷۱.

۴۵. معروف الحسنی، هاشم، سیره الائمه الاثنی عشر، قم: منشورات رضی، ۱۳۷۴ ش.

۴۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ارشاد، قم: آل البیت، ج ۲، ۱۴۱۶ ق.

۴۷. مکی، محمد کاظم، المدخل الى حضاره العصر العباسی، بیروت: دار الزهراء، ۱۴۲۰.

۴۸. مناظر احسن، محمد، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی - فرهنگی، ۱۳۶۹.

۴۹. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۵۰. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۷۲ ش.

ص: ۵۳۲

۵۱. هادوی، مهدی، مبانی کلامی اجتهاد، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد، ۱۳۷۷.

۵۲. هادی، جعفر، الشئون الاقتصادية فی نصوص الكتاب والسنة، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۳ ق.

۵۳. یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، ۱۹۶۰ م. ۷۹

۴۵. Skinner, Quentin, Meaning and context, Quentin Skinner and his critics, Edited by
James Tully, New Jersey, Princeton Press, ۱۹۹۱.

ص: ۵۳۳